مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴

دکتر نصرالله مولائی هشجین
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

الگوی زیست جمعیت و قشربندی اجتماعی ـ اقتصادی در بین نیمه کوچ نشینان گیلان

(مطالعه موردی: بخش اسالم ـ تالش)

چکیده:

کوچ نشینان ایران با شیوهٔ خاصی از زندگی و نیازمندیها، نقش مؤثر وتعیین کننده‌ای را از گذشته تا کنون ایفا نموده‌اند. براساس آمار سال ۱۳۷۷ عشایر تنها ۲/۱۱ درصد ازکل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، ولی تقریباً در سراسر کشور پراکنده شده‌اند به طوری‌که به غیراز استان کردستان در ۲۷ استان دیگر توزیع شده‌اند.

بخش اسالم از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت متفاوت ساحلی ـ جلگه ای و کوهپایه ای ـ کوهستانی و در ارتباط با یکدیگر تقسیم می شود. بیشتر ساکنان قسمت ساحلی ـ جلگه‌ای به فعالیّتهای زراعی و اندکی نیز باغداری با زندگی در سکونتگاههای دائمی و ساکنان قسمت کوهپایه ای ـ کوهستانی به فعالیتهای دامداری پرداخته که عمدتاً کوه نشینان و نیمه کوچ نشینان دائم بخش را شامل می شوند.

بر اساس نتایج مطالعات میدانی ، ۲۳/۵ در صد از خانوارهای بخش اسا لم را دامدارانی تشکیل می دهند که از طریق کوچ و جابجایی به زندگی خود ادامه می دهند .می توان نیمه کوچ نشینان بخش را با توجه به هویّت آنها در قالب ایل (ایل اسالم) و متشکّل از: تیره، طایفه، دَه دَه زوئه و کوچ (خانوار) مورد مطالعه قرار داد.

کلید واژه‌ها: الگوی زیست، جمعیت قشر بندی، نیمه کوچ نشینان، اسالم، گیلان.

درآمد:

پراکندگی جمعیّت و عرضهٔ خدمات اولیه در غرب گیلان به گونه‌ای است که زندگی در نقاط روستائی را به ویژه در شرق (قسمت جلگه ای)، که درآن سکو نتگاههای روستایی با فواصل کمتری و در ارتباط سهل و ساده ای نسبت به شهرها قرار دارند، تسهیل کرده است (گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴).

داشتن سرزمین مشترک، ساخت اجتماعی قبیله ای، اتکای معاش به دامداری و شیوهٔ زندگی کوچ، موجب شکل‌گیری هویت ایلی نیمه کوچ نشینان شده است، به گونه‌ای که می‌توان آنها را در قالب ایل مورد مطالعه قرار داد.

۱. طرح تحقیق

۱-۱. بیان مسأله:

- پراکندگی درسراسر بخش به ویژه درغرب محدودهٔ مورد مطالعه به عنوان میان بند و ییلاق؛
- عدم برخورداری از خدمات زیر بنایی به ویژه در محدودهٔ مراتع میان بند و ییلاق؛
- عدم شناسایی نیمه کوچ نشینان اسالم به عنوان جمعیت عشایری علی‌رغم برخورداری از ویژگیهای عشایر کوچنده.

۱-۲. اهداف تحقیق:

برخی از اهداف تحقیق حاضر عبارت اند از:

- شناخت و معرفی نیمه کوچ نشینان بخش اسالم؛
- توزیع جمعیت روستایی و نیمه کوچ نشین در سطح دهستانها؛
- شناسایی قشربندی اجتماعی - اقتصادی با تأکید برنیمه کوچ نشینان محدودهٔ مورد مطالعه؛
- شناسایی ساختار ایلی نیمه کوچ نشینان (مولائی هشجین، ۱۳۸۱: ۲۱).

۱-۳. بیان فرضیه:

شیوهٔ زندگی کوچ نشینی در ناحیهٔ مورد مطالعه با توجه به انطباق انسان با محیط طبیعی امری پذیرفته و غیر قابل انکار است.

۱-٤. روش تحقیق:

درتحقیق حاضر از روش توصیفی و دو شیوهٔ گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای شناخت الگوی زیست، قشربندی اجتماعی و یافتن دیدگاههای لازم در این زمینه از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و برای شناخت دقیقتر محدودهٔ مورد مطالعه ضمن بررسی اسناد و مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای، از مطالعات میدانی در قالب مطالعات مقدماتی، مشاهده و پرسشنامه در قالب پرسشنامهٔ آبادی، پرسشنامهٔ خانوارهای کوچنده، پرسشنامهٔ استقرارگاههای میان بند و ییلاق استفاده شده است (مولایی هشجین، ۱۳۸۰: ۱۳۵ ـ۱۳۶).

۲. مشخصات ناحیهٔ مورد مطالعه:

ناحیهٔ مورد مطالعه، بخش اسالم شهرستان تالش در غرب استان گیلان را در برمی‌گیرد که در ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳دقیقه طول جغرافیایی شرقی واقع شده است (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸: ۲۰ ـ ۲۱).

بخش اسالم از شمال به بخش مرکزی تالش از غرب به شهرستان خلخال، از جنوب به شهرستان رضوانشهر و از شرق به دریای خزر محدود می شود (مولایی هشجین، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

براساس آمار سال ۱۳۷۸، این بخش با ۲ /۴۷۳ کیلومتر مربع مساحت ،۳/۲۲درصد از مساحت کل استان گیلان را در برگرفته و از ۳ دهستان، ۷۲ آبادی دارای سکنه و ۷ آبادی خالی از سکنه تشکیل یافته است. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان،۱۳۷۹: ۶۱).

مرکز ناحیهٔ مورد مطالعه شهر اسالم است که با مرکز شهرستان و استان به ترتیب ۸و ۱۰۷ کیلومتر فاصله دارد.(مولایی هشجین،۱۳۸۱: ۳).

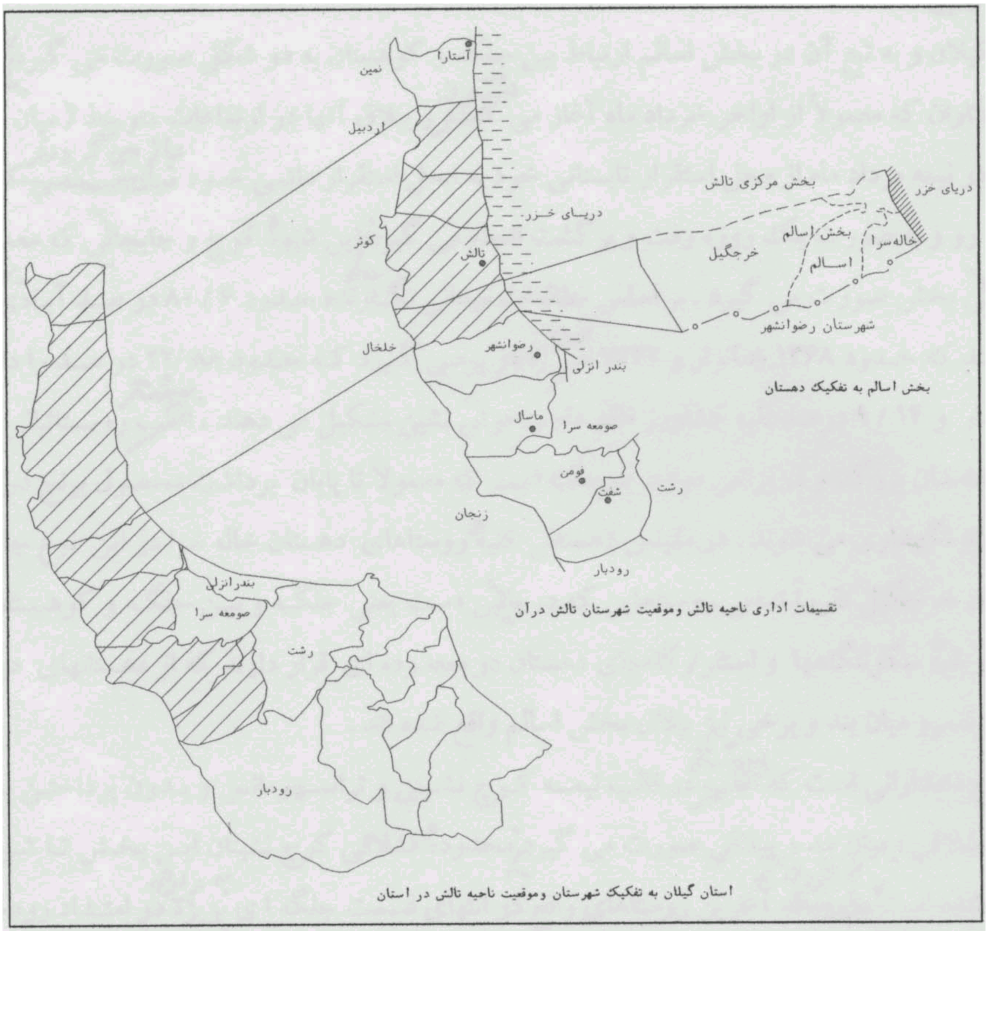
محدودهٔ مورد مطالعه از یک قسمت ساحلی ـجلگه ای با سکونتگاههای روستایی و برخوردار از جمعیت قابل توجه، که بخشی ازآن به عنوان قلمرو نیمه کوچ نشینان ناحیه محسوب می شود، و یک قسمت کوهپایه‌ای ـ کوهستانی درغرب آن با جمعیت پراکنده اندک و بیشتر به عنوان قلمرو میان بند و ییلاق نیمه کوچ نشینان به شمار می رود، تشکیل یافته است.

ارتفاعات ناحیه بخشی از ناهمواریهای تالش است که با جهت شمالی ـجنوبی سطح وسیعی از این ناحیه را در برگرفته و هرچه از شرق به غرب حرکت کنیم بر ارتفاعات ناحیه افزوده می‌شود، که این امر در شرایط

اقلیمی، منابع آب، خاک، پوشش گیاهی، زندگی جانوری و شیوهٔ معیشت و سکونت تأثیر بسزایی گذاشته است(بازن، ۱۳۶۷: ۴۴ـ۵۳).

۳. روستا نشینی:

بخش اسالم از نظراستقرار جمعیت چهرهٔ روستایی دارد و به غیر از شهر اسالم و به استثنای نیمه کوچندگان بخش که از نظر آمارهای جمعیتی آنها نیز روستایی محسوب می شوند، روستایی است و به عبارتی الگوی زیست جمعیت در بخش اسالم روستایی است.



بخش اسالم به تفکیک دهستان

تقسیمات اداری ناحیه تالش وموقعیت شهرستان تالش درآن

استان گیلان به تفکیک شهرستان وموقعیت ناحیه تالش در استان

مقایسهٔ تعداد خانوار و جمعیت روستایی بخش در سطوح دهستانی در فاصلهٔ سالهای ۷۵ تا ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که توزیع خانوار و جمعیت در دهستانهای سه گانه نا متعادل بوده است، به طوری که دهستان خرجگیل درغرب ناحیه وبا امکانات محدود از نظر جذب و نگهداشت جمعیت، ۶۳/۵ در صد مساحت بخش، فقط ۲۳/۸ در صد از جمعیت بخش اسالم را در خود جای داده و در مقابل دهستان اسالم به دلیل استقرار روستاهای پر جمعیت و موقعیت ارتباطی مناسب و قرارگیری مرکز بخش و سکونتگاههای پرجمعیت درآن و برخورداری از امکانات بهتر برای بهره کشی از زمین و سایر فعالیّتهای اقتصادی، بیش از ۵۵ در صد از جمعیت بخش را درخود جای داده است و علت کمی جمعیت دهستان خاله سرا مساحت کم آن و تعداد اندک روستاها می باشد (مولایی هشجین، ۱۳۷۸).

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ از کل نقاط روستایی بخش ۶۲/۵ درصد در قسمت جلگه ای و ۳۷/۵ درصد بقیه درقسمت کوهپایه‌ای و کوهستانی واقع شده‌اند. که این میزان برای دهستانهای خاله سرا و اسالم به ترتیب ۹۱/۶ و ۸۹/۷ درصد جلگه‌ای و ۸/۴ و ۱۰/۳ درصد کوهپایه‌ای و کوهستانی است و دلیل اصلی آن موقعیت جغرافیایی هر دو دهستان است که در قسمت جلگه‌ای و شرق بخش واقع شده‌اند. در حالی که دهستان خرجگیل به دلیل کوهستانی و کوهپایه‌ای بودن و این که عمدتاً به عنوان قلمرو میان بند و ییلاقی نیمه کوچ‌نشینان و کوه‌نشینان بخش مورد بهره برداری قرار می گیرند، تنها ۲۵/۸ درصد از آبادیها درقسمت جلگه‌ای و ۷۴/۷ درصد بقیه در ارتفاعات و کوهستان واقع شده‌اند. اقتصاد بیشتر آنها مبتنی بر دامداری، زراعت، زنبورداری اندک و بهره‌برداری از جنگل است، ولی دردهستانهای خاله سرا و اسالم زراعت، باغداری، دامداری وصید و صیادی و سایر فعالیتهای نوع دوم و سوم، غالب فعالیتهای روستاها را تشکیل می دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶).

بنابراین هر چه از شرق به غرب حرکت کنیم از تعداد سکونتگاههای روستائی دائمی و جمعیت آنها کاسته می شود. همچنین توزیع سکونتگاههای دارای سکنه برحسب طبقات جمعیتی نشان می دهند بیش از ۶۳ درصد آن در بخش کمتر از ۲۵۰ تن جمعیت دارند.

٤.کوچ نشینی:

در غرب گیلان و به تبع آن در بخش اسالم ارتباط بین جلگه و کوهستان به دو شکل صورت می‌گیرد، یکی کوچ کشاورزان بالأخص برنجکاران که معمولاً از اواخر خرداد ماه آغاز می‌شود و ییلاق آنها در ارتفاعات متوسط (میان بند) می باشد و برای برداشت برنج در نیمه مرداد ماه از محل استقرار تابستانی خود به محل استقرار دائمی خود باز می‌گردند، و بیشتر از طریق راههای ماشین‌رو و به صورت یک روزه رفت و برگشت انجام می‌گیرد. این شیوهٔ کوچ و جابجایی معمولاً به طور منظّم و مداوم از نقاط روستایی بخش صورت می‌گیرد. بر اساس مطالعات میدانی نگارنده حدود ۶ / ۸۰ در صد آبادیهای بخش در کوچ شرکت می کنند که حدود ۱۳۶۸ خانوار و ۷۲۴۲ تن را در برمی‌گیرد و حدود ۲۲/۸۸ در صد را دامدار، ۹۸ / ۶۷ درصد کشاورز ـ دامدار و ۱۴ / ۹ درصد بقیه را کشاورز فاقد دام و خوش نشین تشکیل می‌دهند، بیشتر روستائیانی که در کوچ شرکت می کنند نوع دامشان بزرگ و در برخی موارد کوچک است که معمولاً تا پایان برداشت محصول برنج در پایین است، دامها در محدودهٔ میان بند نگهداری می‌شوند. در مقیاس دهستانی کلیهٔ روستاهای دهستان خاله سرا در این نوع جا به جایی مشارکت می‌کنند. در دهستان خرجگیل تقریباً تمامی روستاهایی که در پایین دست یعنی جلگه و بین جلگه و کوهستان مستقرّاند در کوچ شرکت دارند و بقیهٔ سکونتگاهها و استقرارگاههای دهستان در محدوده‌ای قرار دارند که از دهستانهای دیگر به اینجا کوچ می‌کنند. یعنی در قلمرو میان بند و برخی نیز ییلاق بخش اسالم واقع شده‌اند.

دومی کوچ دامدارانی است که بیشتر در قالب نیمه کوچ نشینی و ترانسهومانس و بدون پرداختن به فعالیتهای زراعی در محدوده‌های قشلاقی، میان بند و ییلاقی صورت می‌گیرد. محدودهٔ قشلاقی کوچ نشینان این بخش تا شروع جنگلهای انبوه در غرب آن واقع شده است، به‌طوری‌که آخرین روستاهای واقع در انتهای قسمت جلگه‌ا ی به‌ویژه در امتداد رودخانه اغلب از جمعیت دائمی بر خوردار نیستند. (مولائی هشجین، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

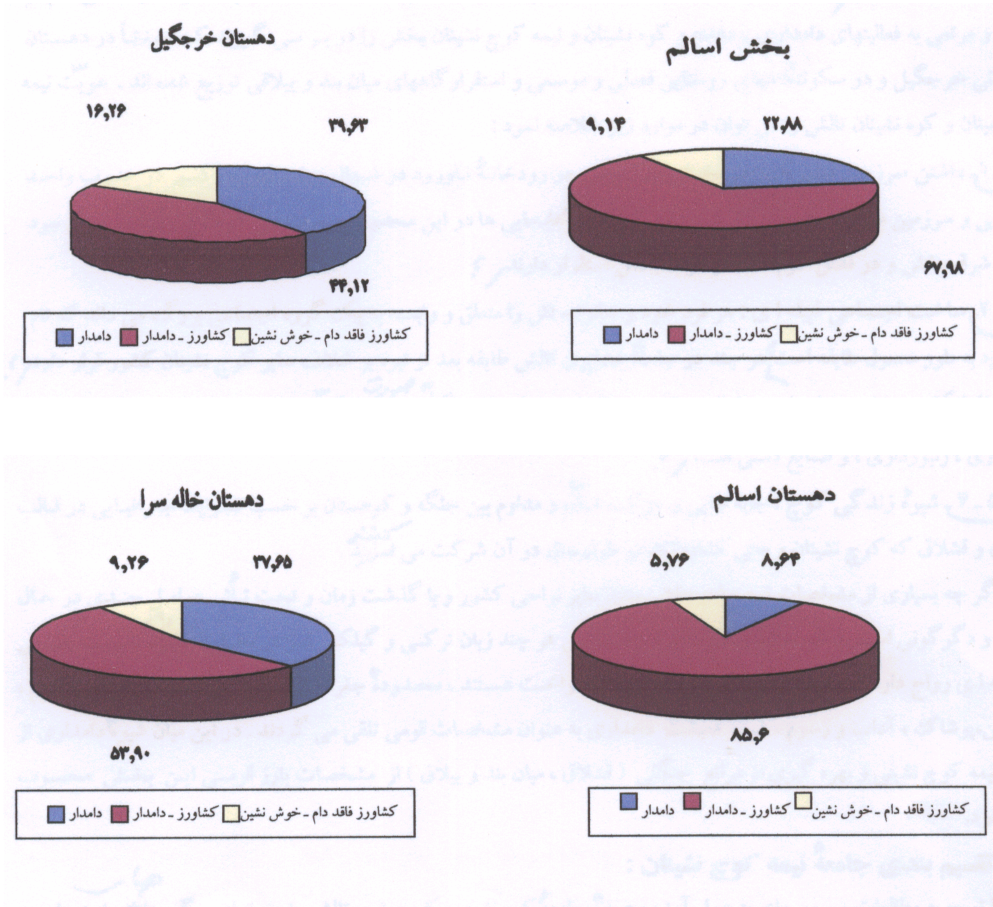
بدین معنی که در فصل گرم سال روستاهای مذکور تقریباً از جمعیت خالی شده و به ارتفاعات(میان بند) کوچ می کنند و در فصل سرد سال از جمعیت برخوردار می‌شوند. قلمرو میان بند در غرب قلمرو قشلاقی پس از اتمام جنگلهای انبوه آغاز و تا پایان جنگلهای پراکنده و تنک امتداد می یابد که در این محدوده سکونتگاههای نیمه مسکونی به چشم می خورد و پس از اتمام محدودهٔ جنگلهای تنک و پراکنده قلمرو ییلاقی با مراتع نسبتاً غنی به طرف غرب تا خط الرأس ارتفاعات تالش امتداد پیدا می کند(مولائی هشجین، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۱ـ توزیع، تعداد ودرصد خانوار وجمعیت آبادیهای کوچنده بخش اسالم به تفکیک دهستان در سال ۱۳۷۸

دهستان	شرح	جمع		دامدار		کشاورز دامدار		کشاورز فاقد دام خوش نشین		آبادی		
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد کل	تعداد	درصد
خاله سرا	خانوار	۱۶۲	۱۱/۸۴	۶۱	۳۷/۶۵	۸۶	۵۳/۹۰	۱۵	۹/۲۶	۱۲	۱۱	۹۱/۷
	جمعیت	۸۶۰	۱۱/۸۸	۳۲۴	۳۷/۶۷	۴۵۶	۵۳/۰۲	۸۰	۹/۳۱			
اسالم	خانوار	۷۲۹	۵۳/۲۹	۶۳	۸/۶۴	۶۲۴	۸۵/۶	۴۲	۵/۷۶	۲۹	۲۹	۱۰۰
	جمعیت	۳۷۲۵	۵۱/۴۴	۳۲۲	۸/۶۵	۳۱۸۸	۸۵/۵۸	۲۱۵	۵/۷۷			
خرجگیل	خانوار	۴۷۷	۸۷/۳۴	۱۸۹	۳۹/۶۲	۲۲۰	۴۴/۱۲	۶۸	۱۶/۲۶	۳۱	۱۸	۵۸/۱
	جمعیت	۲۶۷۵	۳۶/۶۹	۱۰۵۳	۳۹/۶۳	۱۲۲۵	۴۶/۱۱	۳۷۹	۱۴/۲۶			
بخش اسالم	خانوار	۱۳۶۸	۱۰۰	۳۱۳	۲۲/۸۸	۹۳۰	۶۷/۹۸	۱۲۵	۹/۱۴	۷۲	۵۸	۸۰/۶
	جمعیت	۷۲۴۲	۱۰۰	۱۶۹۹	۲۳/۴۶	۴۸۶۹	۶۷/۲۳	۶۷۴	۹/۳۱			

(مولائی هشجین، ۱۳۷۸)

نمودار شماره ۱ـ توزیع درصد خانوارهایی که در بخش اسالم وبه تفکیک دهستان در کوچ به سر می برند در سال ۱۳۷۸



با توجه به تعریف عشایر کوچنده در سر شماری سراسری عشایر کوچنده در سالهای ۷۷-۱۳۶۶ و عدم شمول کوچ نشینان و کوه نشینان بخش اسالم در زمرهٔ عشایر کوچنده، ارائه آماری از تعداد و درصد کوه نشینان و نیمه‌کوچ نشینان بخش اسالم به صورت دقیق امکانپذیر نیست، اما بر اساس بر آورد طرح ساماندهی دام و تجمیع خانوارهای پراکنده جنگل‌نشین حوزه ناو و لمیر که تقریباً با حدود بخش اسالم منطبق است تعداد کوچندگان ۸۷۰ خانوار و ۵۱۶۰ تن بوده است. (مهندسین مشاور تا ک سبز ،۱۳۷۷). بر اساس مطالعات نگارنده از کل آبادیهای بخش تعداد ۱۳۶۸ خانوار و ۷۲۴۲ تن هر ساله در قالب دامدار ، کشاورز ـ دامدار و کشاورز فاقد

دام و خوش نشین و تعداد ۳۱۳ خانوار و ۱۶۹۹ تن صرفاً با هدف دامداری در کوچ به سر می‌برند. البته لازم به توضیح است که تعدادی از خانوارهای کوچ‌نشین که در قلمرو ایلی خود در حال جابجا شدن هستند و در طول سال در ییلاق و قشلاق و میان بند در حال حرکت‌اند به دلیل نداشتن متعلقات در روستاها در این آمارها گنجانده نشده‌اند. به هر حال در این بررسی تعداد ۷۷ خانوار و ۵۳۲ تن از نیمه کوچ‌نشینان بخش از طریق تکمیل پرسشنامه خانوار و خانواده بهره بردار و نیز امکان سنجی مورد مطالعه قرا گرفته اند که ۲۴/۶ در صد از کوچندگان دامدار و ۵/۶۳ در صد از کل خانوارهای کوچنده را شامل می‌شوند.

۵. هویت ایلی نیمه کوچ نشینان:

اسالم از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت متفاوت ولی در ارتباط با یکدیگر یعنی قسمت ساحلی ـ جلگه‌ای و کوهپایه‌ای ـ کوهستانی به ترتیب در شرق و غرب تقسیم می‌شود. بیشتر ساکنان قسمت ساحلی ـ جلگه‌ای به فعالیّتهای زراعی و اندکی باغداری اشتغال داشته و به صورت دائمی در سکونتگاههای روستایی استقرار دارند و ساکنان قسمت کوهپایه‌ای ـ کوهستانی اعمّ از جنگلی و مرتعی به فعالیتهای دامداری پرداخته و کوه نشینان و نیمه کوچ نشینان بخش را در بر می‌گیرند که عمدتاً در دهستان کوهستانی خرجگیل و در سکونتگاههای روستایی فصلی و موسمی و استقرارگاههای میان بند و ییلاقی توزیع شده اند. هویّت نیمه‌کوچ نشینان و کوه‌نشینان تالش را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۵ ـ ۱. داشتن سرزمین مشترک:

در بخش اسالم بین دو رودخانهٔ ناورود در شمال و شمالغرب و لمیر در جنوب واحد جغرافیایی و سرزمین مشترک کوچندگان قرار دارد که بیشتر جابجایی‌ها در این محدوده صورت می‌گیرد، به‌طوری‌که در فصل سرد سال در شرق بخش و در فصل گرم سال در غرب بخش استقرار دارند.

۵ ـ ۲. ساخت اجتماعی قبیله‌ای:

هر فرد خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگ می داند که نام این گروه به طور معمول طایفه است، هر چند در جامعهٔ عشایری تالش طایفه بعد از تیره بر خلاف سایر کوچ نشینان کشور قرار دارد؛

۵ ـ ۳. اتکای معاش به دامداری:

فعالیت غالب دامداری و فعالیتهای دیگر بـه صـورت مکمّـل و جنبـی و فرعـی نظیـر؛ زراعـت، باغـداری، زنبورداری، و صنایع دستی است.

۵ ـ٤. شیوهٔ زندگی کوچ:

جابه جایی و حرکت منظّم و مداوم بین جلگه و کوهستان بر حسب شـرایط جغرافیـایی در قالـب یـیلاق و قشلاق که کوچ‌نشینان و حتی کشاورزان در طول سال در آن شرکت می کنند.

اگر چه بسیاری از مشخصات قومی این بخش مانند سایر نواحی کشور و با گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل چندی در حال تغییر و دگرگونی است با این حال عواملی نظیر؛ زبان تالشی هر چند زبان ترکی و گیلکی نیز در بخش اسالم، به ویژه قسمت شرقی جلگه‌ای رواج دارد. مذهب تسنن شافعی و تقریباً یکنواخت هستند. محدودهٔ جغرافیایی مشترک درقالب بخش اسالم، مسکن، پوشاک، آداب و رسوم، شیوهٔ معیشت دامداری به عنوان مشخصات قومی تلقی می‌گردند. در این میان شیوهٔ دامداری از نوع نیمه کوچ نشینی و بهره‌گیری از مراتع جنگلی (قشلاق، میان‌بند و ییلاق) از مشخصات بارز قومی این بخش محسوب می‌شود.

٦. تقسیم بندی جامعهٔ نیمه کوچ نشینان:

با توجه به مطالعات و بررسیهای به عمل آمده، عمدهٔ جامعهٔ کوه‌نـشین و کـوچ‌نـشین تـالش را مـی‌تـوان بـه گروههای اجتماعی ـ شغلی زیر تقسیم نمود:

٦ ـ ١. دامداران:

این گروه از راه پرورش دام به ویژه دامهای کوچک و تعداد اندکی دام بزرگ و بارکش زندگی می کنند و در طول سال به طور منظّم و مستمر در قلمرو ایلی بین قشلاق و ییلاق و بالعکس جابجا می‌شوند که نیمه کوچ نشینان اسالم در این گروه جای می گیرند. گروه اجتماعی دامدار که از گذشته تا به حال در این بخش به جهـت فراهم بودن شرایط به چشم می‌خورند و بر حسب تعداد دامی که در اختیار دارند می‌تـوان بـه دامـداران مرفـه و متوسط تقسیم نمود که بیشتر دامداران در گروه اخیر هستند.

٦ ـ ۲. دامداران چند پیشه:

این گروه نیز در محدودهٔ میان بند و ییلاق و در شرایط مشابه آنچه که در مورد دامداران صدق می‌کند زندگی می‌کنند، با این تفاوت که به فعالیتهای غیر دامداری نیز اشتغال دارند، به گونه‌ای که در کنار دامداری به زنبورداری و کشت غلات نظیر: گندم دیم و ذرت اشتغال دارند و از ییلاق نیز استفاده می‌کنند و فاقد مسکن موقت مانند دامداران بویژه در محدوده قشلاق و در برخی موارد میان بند هستند. بیشتر ساکنان استقرارگاههای میان‌بند و سکونتگاههای کوهپایه‌ای و جنگلی در امتداد رودخانهٔ ناو رود و لمیر در این گروه جای دارند.

٦ ـ ۳. دامداران کشاورز:

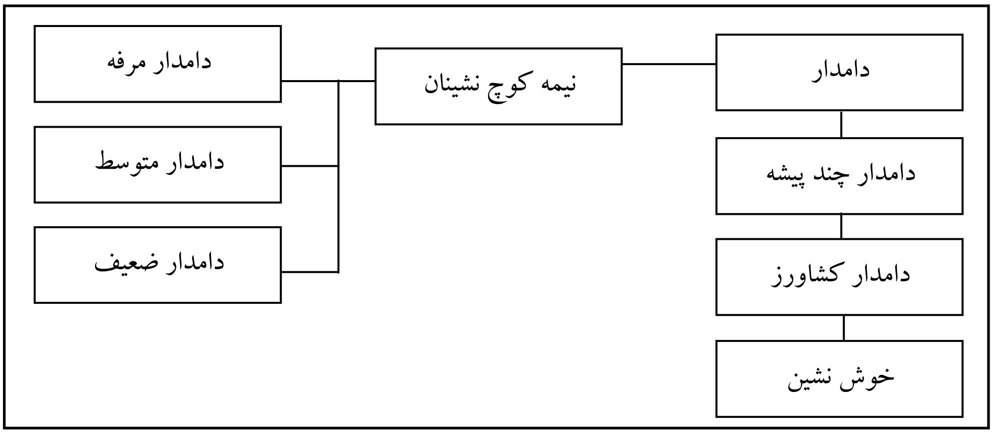
این گروه در قسمت جلگه ای بخش اسالم زندگی می‌کنند و فعالیت اصلی آنها به واسطهٔ برخورداری از اراضی، زراعت برنج و باغداری است. ولی اغلب هر کدام به نگهداری و پرورش دام بزرگ و زنبور عسل می‌پردازند. در فصل گرم سال پس از فراغت از کشت برنج و عدم امکان تأمین علوفهٔ موردنیاز دامها در پایین دست، گریز از گرما و رطوبت زیاد جلگه، استفاده از هوای مطبوع کوهستان، عادت و تأمین علوفه مورد نیاز دامها ی خود به ارتفاعات واقع در غرب بخش، که محدودهٔ هر کدام مشخص است، جابجا می‌شوند. این گروه بر خلاف گروه اول و دوم تنها در میان بند استقرار پیدا می‌کنند و استفاده از مراتع ییلاق اختصاص به دامداران و دامداران چند پیشه دارد.

٦ ـ ٤. خوش نشین:

گروهی که در جلگه و ساحل فعالیتهای سنتی و مبتنی بر بهره کشی از زمین اعم از زراعت، باغداری و دامداری را رها نموده و در فعالیتهای غیر کشاورزی اشتغال دارند که معمولاً بر حسب عادت و فرار از گرمای شدید پایین دست و استفاده از شرایط مطلوب میان‌بند به‌صورت مقطعی جابجا می شوند.

در تالش تیره بزرگتر از طایفه است و براین اساس ایل بزرگترین رکن اجتماعی عشایر تالش به شمار می‌رود که در سراسر حوزه‌آبریز یک رودخانه بزرگ از سرچشمه تا کرانه‌های دریا سکونت دارند و خود را مالک و استفاده کننده انحصاری این قلمرو می‌داند (عبدلی کلوری، ۱۳۷۱: ۳۹).

نمودار شماره ۲ ـ گروههای اجتماعی ـ شغلی نیمه کوچ نشینان و کوه نشینان بخش اسالم



با توجه به مطالعات و تحقیقات محلی حد فاصل رودخانهٔ لمیر در جنوب ، ناو رود در شمال و شمالغرب، خط الرأس تالش در مرز اسالم با خلخال در غرب و دریای خزر در شرق محدودهٔ ایل اسالم را شامل می‌شود.

ایل اسالم از چند تیره، طایفه، دَه دَه زوئه و خانوار (کوچ) به شرح زیر تشکیل شده است:

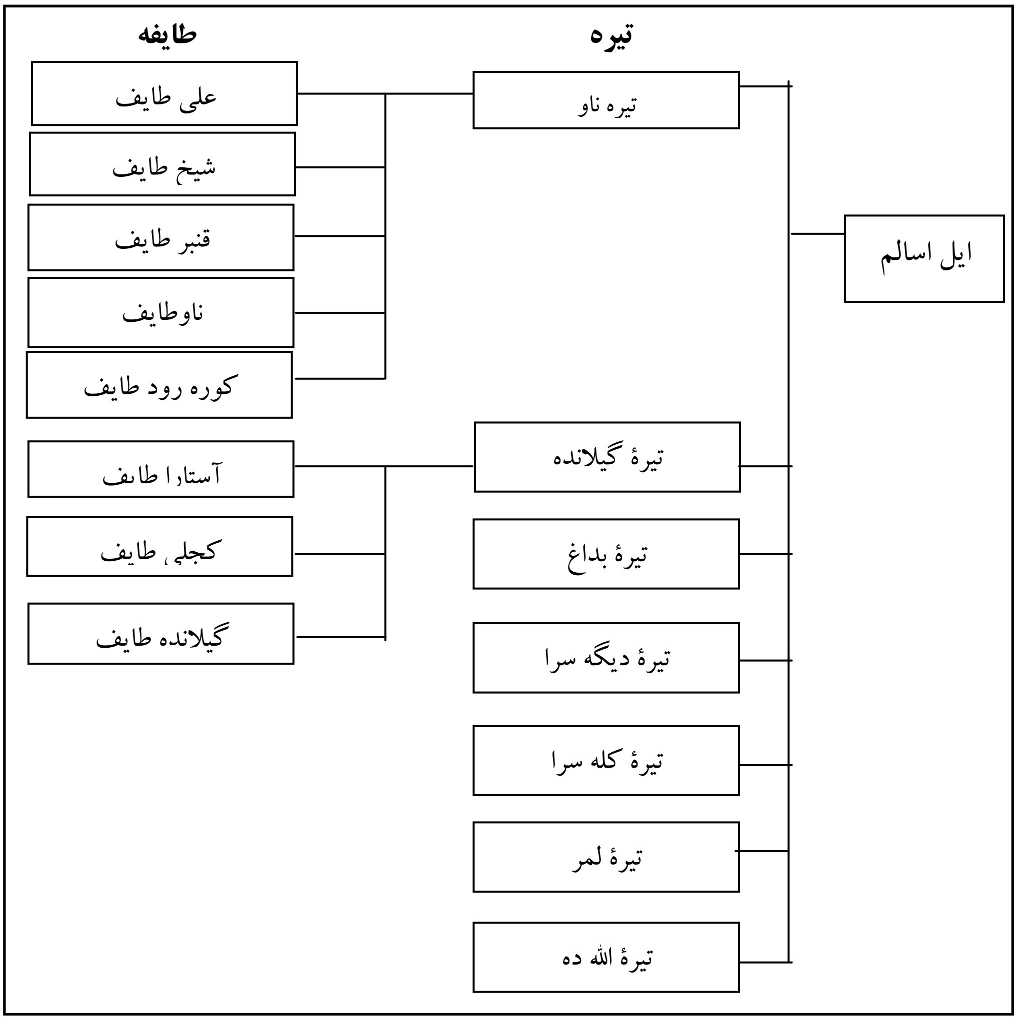
تیره: تیره متشکّل از چند طایفه برخوردار از مراتع و اراضی اختصاصی و مشخص که دیگر تیره‌ها حق استفاده از آن را ندارند. تیره‌های ناو، گیلانده، دیگه سرا، کله سرا، بداغ و لمیر از آن جمله‌اند که هر کدام محدودهٔ خاص خودشان را در سطح بخش به‌ویژه در محدودهٔ میان‌بند و ییلاق دارا هستند.

طایفه: طایفه متشکّل از خانوارهایی است که در سلسله نسب تا هفت پشت یا بیشتر به یک پدر می‌رسند و بیشتر به نام همان شخص مرسوم است و نسبت به هم فامیل و همخون هستند به عنوان نمونه طایفه‌های علی طایف، شیخ طایف، قنبر طایف از تیره ناو به شمار می‌روند.

دَه دَه زوئه: دَه دَه زوئه به چند خانوار گفته می‌شود که تا کمتر از هفت نسل به یک پدر می‌رسند و اعضای آن با هم نسبت نزدیک پدر تباری دارند و از زمان تشکیل سازمان ثبت احوال اغلب اعضاء ، هر دَه دَه زوئه نام جد مشترک خود را به جای نام فامیلی خود برگزیده‌اند.

خانوار (کوچ): افرادی که در زیر یک پارو (چادر) متشکّل از پدر، مادر و فرزندان زندگی می کنند.

نمودار شماره ۳ـ ساختار اجتماعی نیمه کوچ نشینان اسالم



مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده طی سالهای ۷۸ـ ۱۳۷۰

۷. نتیجه گیری:

بخش اسالم از نظر استقرار جمعیت چهرهٔ روستایی دارد و در کنار آن بخشی از جمعیت در قالب نیمه کوچ نشین که ۲۰/۵ درصد از کل جمعیت را شامل می‌شوند در انطباق با محیط طبیعی و برحسب موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی به دنبال دام بین قشلاق و ییلاق در حال جابجا شدن هستند.

در مقیاس دهستانی، بجز یک روستا در دهستان اسالم، کلیهٔ روستاهای دهستان خاله‌سرا و خرجگیل در کوچ شرکت می‌کنند. هر چند استقرارگاههایی که در قسمت کوهپایه‌ای و کوهستانی خرجگیل واقع شده‌اند در قالب میان‌بند و ییلاق جمعیت کوچ‌رو بخش را به سوی خود می‌کشند.

کوچ و جابجایی جمعیت در محدودهٔ مورد مطالعه در دو شکل یکی کوچ کشاورزان بالأخص برنجکاران و دومی کوچ دامدارانی که در قالب نیمه کوچ نشینی و ترانسهومانس بدون پرداختن به فعالیتهای زراعی در محدوده‌های قشلاقی؛ میان‌بند و ییلاقی صورت می‌پذیرد. علی‌رغم دگرگونی و ایجاد تغییر در مشخصات قومی این بخش مانند سایر نواحی کشور عواملی نظیر؛ زبان تالشی، مذهب (مسلمانان شافعی مذهب)، محدودهٔ جغرافیایی مشترک در قلب بخش اسالم، مسکن، پوشاک، آداب و رسوم، شیوهٔ معیشت دامداری از نوع نیمه کوچ‌نشینی و بهره گیری از مراتع از ویژگیهای بارز ساکنان این بخش تلقی می‌شوند.

لازم است از طریق سازمان امور عشایری کشور و در جهت به رسمیت شناختن آنان با توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و رفع کمبودها و نیازهای اساسی این جمعیت از طریق شناسایی کوچندگان بخش به عنوان بخشی از جامعهٔ عشایری کشور تلاشی مضاعف صورت بگیرد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. بازن. مارسل، ۱۳۶۷، *تالش منطقهٔ قومی در شمال ایران*، ترجمهٔ دکتر مظفر امین فرشچیان، مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان،۱۳۷۹، *آمار نامهٔ استان گیلان*، ۱۳۷۸.

۳. سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۸، *مختصات جغرافیایی استان گیلان بر اساس تقسیمات سیاسی*.

۴. عبدلی کلوری. علی، ۱۳۷۱، *نظری به جامعه عشایری تالش*، انتشارات اطلاعات.

۵. گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴، *کتاب گیلان*، جلد دوم، چاپ اول، چاپخانهٔ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۶. مرکز آمار ایران ، ۱۳۷۶، *شناسنامهٔ آبادیهای شهرستان تالش*، سرشماری عمومی نفوس و مسکن. ۱۳۷۵.

۷. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۸۱، *مبانی کوچندگی، پراکندگی جغرافیایی و اشکال کوچ نشینی در گیلان (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش)* – مجلهٔ علمی پژوهشی، پژوهشهای جغرافیایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

۸ مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۸، *بررسی نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان به منظور امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوهٔ معیشت دامداری، (مطالعه موردی: بخش اسالم)*، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

۹. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۸، *مطالعات میدانی دربارهٔ کوه نشینان و کوچ نشینان غرب گیلان از سال ۱۳۷۱ تاکنون*.

۱۰. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۷۹، *بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان*، مجلهٔ علمی- پژوهشی جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۳۳ و ۳۴ پاییز و زمستان.

۱۱. مولایی هشجین. نصراله، ۱۳۸۱، *نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشین غرب گیلان (مطالعه موردی: اسالم ـ شهرستان تالش)* – فصلنامهٔ روستا و توسعه ـ سال پنجم، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی.

۱۲. مولایی هشجین، ۱۳۸۰، *امکان سنجی تثبیت جمعیت و تحول شیوهٔ معیشت دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ‌نشین غرب گیلان و مطالعه موردی: بخش اسالم تالش*، مجلهٔ دانشنامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شماره ۴۰ و ۴۱.

۱۳. مهندسین مشاور تاک سبز، ۱۳۷۷، *طرح ساماندهی دام و تجمیع خانوارهای پراکنده جنگل‌نشین حوزهٔ اسالم و حوزه لومیر، مطالعات اجتماعی و اقتصادی*، کارفرما شرکت سهامی جنگل شفارود، تحت پوشش وزارت جهاد سازندگی.